



Pioneers of women's fiction writing in Persian and Arabic literature (with a focus on female storytellers in the nineteenth century)

Hossein Mohammadian ¹ | Seyyed Ali Seraj ²

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Faculty of letters and humanities, University of Neyshabur, Neyshabur, Iran. E-mail: h.mohammadian@neyshabur.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Persain Languge and literature, Faculty of letters and humanities, University of Neyshabur, Neyshabur, Iran. E-mail: ali.seraj@neyshbur.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 16 January 2022

Received in revised form:
2 August 2022

Accepted: 20 August 2022

Keywords:

fiction literature,
gender,
women narrators in Persian
and Arabic literature,
women's narration.

ABSTRACT

Women writers in Iran and Arab countries have always been able to express their stance in writing their fictional works and were welcomed by the public in this respect. Story writers emphasized that women show the reader a special meaning of the female experience that male literature is not able to reveal. Accordingly, they tried to write works directly related to the experiences of women. The current study was conducted in the fields of formation and development of women's writing in the fictional literature of two countries based on the American School of Comparative Literature and the descriptive-analytical method. The results of the research indicate that the first period of women fiction writing in Persian and Arabic literature expresses the feelings of oppression, suffering, and deprivation. The second stage, is the period of restoration of women's identity and raises the issue of the right to choose, women's freedom, and discrimination of women's identity. Getting out of negativity and promoting the acceptance level of the women's role from the home environment to different levels of society, including political, economic, social, and cultural features, and choosing the hero among women, are among the most important features of women's fictional works in the third period of women's writing in Persian and Arabic literature. The women writers' efforts to show a female narrative and represent women's identity are presented in different ways at different levels of the text such as the use of words, characterization, and the choice of the female hero and narrator.

Cite this article: Mohammadian, H., Seraj, S. A. (2023). Pioneers of women's fiction writing in Persian and Arabic literature (with a focus on female storytellers in the nineteenth century). *Research in Comparative Literature*, 13 (3), 127-152.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: [10.22126/jccl.2022.7365.2349](https://doi.org/10.22126/jccl.2022.7365.2349)



رائدات في الكتابة الروائية النسائية في الأدبين الفارسي والعربي (مع التركيز على رواة القصص من النساء في القرن التاسع عشر)

حسين محمدیان^١ | سيد علی سراج^٢

١. الكاتب المسؤول، أستاذ مساعد في كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة نيشابور، نيشابور، إيران. العنوان الإلكتروني:

h.mohammadian@neyshabur.ac.ir

٢. أستاذ مشارك في قسم اللغة الفارسية و آدابها، كلية الآداب و العلوم الإنسانية، جامعة نيشابور، نيشابور، إيران. العنوان الإلكتروني:

ali.seraj@neyshabur.ac.ir

ملخص	معلومات المقال
تمكنت الكاتبات في إيران والدول العربية من التعبير عن موقفهن في كتابة أعمالهن القصصية والترحيب من قبل الجمهور. أكدت كاتبات القصة على أن النساء يظهرن للقارئ معنى خاصاً لتجربة الإناث لا يستطيع الأدب الذكوري وصفه والتعبير عنه. لذلك، حاولن كتابة أعمال مرتبطة مباشرة بتجارب النساء. في البحث الحالي، تمت الدراسة في مجالات تكوين وتطور تيار الكتابة النسائية في الأدب القصصي لهاتين الأرضين بناءً على مدرسة الأدب المقارن الأمريكية والمنهج الوصفي التحليلي. وتشر نتائج البحث إلى أن الفترة الأولى للكتابة القصصية النسائية في الأدبين الفارسي والعربي تعبر عن ظلم ومعاناة وحرمان المرأة. المرحلة الثانية هي فترة استعادة هوية المرأة وتطرح قضية الحق في الاختيار وحرية المرأة وتمييز الهوية النسائية. إن حرية المرأة، والخروج من السلبية، وتعزيز قبول دور المرأة من بيئة البيت إلى مستويات مختلفة من المجتمع، بما في ذلك السياسية والاقتصادية والاجتماعية والثقافية، واختيار البطل من بين النساء، تعتبر من أهم سمات الأعمال القصصية النسائية في الفترة الثالثة من كتابة المرأة في الأدبين الفارسي والعربي. يتم عرض جهود الكاتبات لإظهار سرد أنثوي وتمثيل هوية المرأة بطرق مختلفة على مستويات مختلفة من النص، مثل استخدام الكلمات والتوصيف واختيار البطل والراوي الأنثي.	نوع المقال: مقالة محكمة الوصول: ١٤٤٣/٠٦/١٢ التقيق والمراجعة: ١٤٤٤/٠١/٠٤ القبول: ١٤٤٤/٠١/٢٢ الكلمات الدلالية: الأدب القصصي، الجنس، النساء الراويات الفارسية والعربية، السرد النسائي.

الإحالة: محمدیان، حسين؛ سراج، سيد علی (١٤٤٥). رائدات في الكتابة الروائية النسائية في الأدبين الفارسي والعربي (مع التركيز على رواة القصص من النساء في

القرن التاسع عشر). بحوث في الأدب المقارن، ١٣ (٣)، ١٢٧-١٥٢.



© الكتاب.

DOI: [10.22126/jcccl.2022.7365.2349](https://doi.org/10.22126/jcccl.2022.7365.2349)

النشر: جامعة رازي



پیشگامان داستان‌نویسی زنانه در ادبیات فارسی و عربی (با تأکید بر داستان‌نویسان زن در قرن نوزدهم)

حسین محمدیان^۱ | سیدعلی سراج^۲

۱. نویسنده مسئول، استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران. رایانامه: h.mohamadian@neyshabur.ac.ir
۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران. رایانامه: ali.seraj@neyshabur.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نویسندگان زن در ایران و کشورهای عربی توانسته‌اند موقعیت خود را در نوشتن آثار داستانی ابراز کنند و مورد استقبال مخاطبان قرار گیرند. داستان‌نویسان زن تأکید داشته‌اند که زنان معنی‌ای خاص از تجربه زنانه را به خواننده نشان می‌دهند، که ادبیات مردانه قادر به توصیف و بیان آن نیست؛ از این رو کوشیدند آثاری بنویسند که مستقیماً مربوط به تجربه‌های زنان باشد. در پژوهش حاضر، بر پایه مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی، زمینه‌های شکل‌گیری و تحول جریان زنانه‌نویسی در ادبیات داستانی این دو سرزمین بررسی شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که دوره اول داستان‌نویسی زنانه در ادبیات فارسی و عربی، بیانگر بی‌عدالتی‌ها و رنج و محرومیت زنان است. دوره دوم، دوره بازیابی هویت زنان است و مسأله حق انتخاب، آزادی زن و تمایز بخشیدن به هویت زنانه مطرح است. آزادی زن، خروج از انفعال، ارتقای نقش‌پذیری زن از محیط خانه به سطوح مختلف جامعه اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و انتخاب قهرمان داستان از بین زنان، از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار داستانی زنان در دوره سوم زنانه‌نویسی در ادبیات فارسی و عربی است. تلاش نویسندگان زن برای نمایش روایتی زنانه و بازنمود هویت زنان به شیوه‌های گوناگون در سطوح مختلف متن؛ از جمله کاربرد واژگان، شخصیت‌پردازی، انتخاب قهرمان و روایت‌گر زن ارائه شده است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹

واژه‌های کلیدی:

ادبیات داستانی،
جنسیت،
زنان داستان‌نویس فارسی و عربی،
روایت زنانه.

استناد: محمدیان، حسین؛ سراج، سید علی (۱۴۰۲). پیشگامان داستان‌نویسی زنانه در ادبیات فارسی و عربی (با تأکید بر داستان‌نویسان زن در قرن نوزدهم). *کاووش نامه ادبیات تطبیقی*، ۱۳ (۳)، ۱۲۷-۱۵۲.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: [10.22126/jcecl.2022.7365.2349](https://doi.org/10.22126/jcecl.2022.7365.2349)

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

با نگاهی به تاریخ و تأمل در اساطیر درمی‌یابیم که همواره نگاه انسان‌ها به زن، مانند کالایی بوده که در تملک مرد قرار داشته است. با شکل‌گرفتن جنبش هواداران حقوق‌زنان در دهه ۶۰، آثار زنان بسیار مورد توجه محققان و منتقدان قرار گرفت. «نظریه پردازان فمینیست عقیده دارند که در ادبیات مردسالار، موضوع تجربه زنان مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ بلکه آنچه تصویر می‌شود، نقشی است که مردان درباره زنان فکر می‌کرده‌اند که چگونه باید باشند» (گرت، ۱۳۸۲: ۴۲). زبان از منظر تاریخ و واقعیت، یک نهاد مردانه بوده و از محکم‌ترین قلعه‌های مردان به‌شمار می‌رود. این به معنای جلوگیری از ورود زنان به این نهاد ویژه مردان است. به حاشیه‌راندن زنان بر پایه قانونی تاریخی رخ داده است، که زن را از نوشتن بازداشته‌اند. بهترین شاهد این موانع در راه پیشرفت زنان، در کتاب نعمان بن ابی‌الثناء با نام *الاصابه فی منع النساء من الکتابه* ذکر شده است. «اما درباره آموزش خواندن و نوشتن به زنان، باید گفت که این قضیه‌ای است که باید از آن به خدا پناه برد و من چیزی زیان‌آورتر از آن برای زنان نمی‌بینم؛ زیرا چون زن خواندن و نوشتن فراگیرد؛ نامه‌ای به زید نویسد و دست‌خطی به عمر و بیت شعری به جوانی مجرد و کاغذی به مردی دیگر فرستد. فی‌الجمله آنکه یاد دادن نوشتن و خواندن به زنان، درست همچون آن- است که به دیوانه‌ای شرور، شمشیری تیز و برآن بخشید. عاقل‌ترین مردان آنان‌اند که زنان‌شان را در حالتی از جهل و نادانی قرار دهند که این برای آنان بسی سودمندتر خواهد بود» (غذامی، ۱۳۸۷: ۱۱۹-۱۲۰).

در ادبیات معاصر فارسی و عربی، به دلیل تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نویسندگان زن توانسته‌اند از ظرفیت‌های رمان برای بازسازی جایگاه خود در عرصه اجتماع بهره ببرند. افزایش شمار نویسندگان زن در داستان‌نویسی فارسی و عربی، خود گواه این موضوع است.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

هدف پژوهش حاضر، این است که با کاربست روش ادبیات تطبیقی، به بررسی و تطبیق زمینه‌های شکل‌گیری داستان‌نویسی زنانه در ادب فارسی و عربی پردازد. اصطلاح ادبیات تطبیقی یا *الأدب المقارن*، ترجمه تحت‌اللفظی واژه فرانسوی (*Compare Litterature*) و انگلیسی (*Comparative literature*) است. پژوهش و تطبیق میان وجوه همسان عناصر ادبی کشورهای گوناگون موضوع اصلی و برجسته ادبیات تطبیقی است (کفافی، ۱۹۷۲: ۲۴). این شیوه از تحلیل به بررسی روابط؛ خواه دادوستد، و خواه تأثیر و تأثر از

یک‌سو و زمینه‌های دانش و فرهنگ در هنرهایی چون نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری، موسیقی و ادبیات، از سوی دیگر، می‌پردازد (ر. ک: عبود، ماجد و دیگران، ۱۴۲۰: ۳۲-۳۴). نوع نگرش ادیبان و اندیشمندان به این شاخه جدید از ادبیات به همراه اختلاف نظر آنان در مورد حدود و مرزهای آن، باعث پیدایش تعاریف، نظریات و مکاتب متفاوتی شده است که در رأس آن‌ها دو مکتب فرانسوی و آمریکایی قرار دارد.

مکتب آمریکایی در نیمه اول قرن بیستم با انقلابی علیه روش‌های تاریخی در بررسی‌های ادبی و با تأکید بر جوهر ادبی و شعری و با دیدی زیبایی‌شناسانه در ادبیات، ظهور کرد. این مکتب برخلاف مکتب فرانسوی، مسأله تأثیر و تأثر را اساس نمی‌داند و معتقد است که هدف از پژوهش تطبیقی، دستیابی به نتایجی است که مربوط به ذوق ادبی و به دنبال آن جوانب زیبایی ادب باشد. وجود تشابه بین روش‌های ادبی و نیز وجود افکار مشابه در میان مجموعه‌ای از ادبیات مختلف جهان و یا بین ادبیات دو ملت می‌تواند به تنهایی برای بررسی‌های تطبیقی کافی باشد (همان، ۱۴۲۰: ۳۰-۳۴).

گستره فعالیت زنان در ادبیات فارسی و عربی قابل توجه است. در این دو سرزمین همواره جنسیت توسط گفتمان‌های مردان تعریف شده است. نویسندگان آثار ادبی بیشتر مردان بوده‌اند و جز استثناهایی معدود، صدای زنان شنیده نشده است.

زنان در طول تاریخ ایران به دلایل مختلف اجتماعی، فرهنگی و... تقریباً همیشه در حاشیه بوده و در عرصه‌های اجتماعی کمتر حضور داشته‌اند. ادبیات نیز از این قاعده مستثنا نیست. ادبیات کلاسیک فارسی بیشتر با شاعران و نویسندگان مرد شناخته شده است. در کتب تذکره و تاریخ ادبیات، آن‌گونه که شایسته است به جایگاه زنان شاعر و نویسنده پرداخته نشده است و بحث‌های مستقل و مجزای زیادی درباره زنان وجود ندارد. سرگذشت آفرینشگران زن را می‌توان تنها از خلال موضوعاتی که درباره مردان نوشته شده، در قالب «دیگری» مردان یا «جنس دوم»، مطالعه نمود. به همین دلیل، بررسی چگونگی شکل‌گیری ادبیات داستان زنان و بنیادهای آن در ادبیات داستانی فارسی و عربی، ضرورتی است که تاکنون به صورت روش‌مند و موردی بررسی نشده است.

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

- زمینه‌ها و عوامل اثرگذار در شکل‌گیری گونه کاربردی زنانه‌نویسی در ادبیات داستانی فارسی و عربی کدام‌اند؟

- مراحل داستان‌نویسی زنانه در ادبیات فارسی و عربی را چگونه می‌توان دسته‌بندی کرد؟

- در مسیر شکل‌گیری و تحول جریان زنانه‌نویسی، چه تفاوتی در داستان‌نویسی فارسی و عربی مشاهده

می‌شود؟

۴-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر به فراخور نامش در پی کشف و رونمایی آن دسته از مقولات مشترک میان محصولات ادبی دو فرهنگ عربی و فارسی که منجر به شکل‌گیری جریانی نو در داستان‌نویسی تحت‌عنوان «زنانه‌نویسی یا گونه‌کاربردی زنان در داستان» است که به‌واسطه اشتراک نیازهای نهادینه مقابله با کژدیده از موقعیت زنان در تاریخ ادبیات؛ بیان دغدغه‌های و خواسته‌های زنان؛ دفاع از حقوق زنان در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی؛ تغییر نقش زن از عنصری خانه‌دار تا آفرینش‌گری خلاق در عرصه‌های ادبی و اجتماعی، به نسخه‌هایی همسان دست یافته‌اند. علی‌رغم ظرفیت‌های همسان در زمینه‌های شکل‌گیری، دلایل و سیر تحول این نوع از داستان‌نویسی، تاکنون با رویکرد تطبیقی نقد و بررسی نشده‌اند؛ اما موضوع روایت زنانه به صورت موردی و مقایسه‌ای بین دو اثر، محل تأمل و توجه پژوهش‌هایی به شرح ذیل بوده است.

جتی‌فر و بشیری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به ادبیات زنانه با تکیه بر رمان‌الارض و سووشون» به بررسی و تحلیل ویژگی‌های ادبیات زنانه در دو اثر پرداختند و معتقدند در ادبیات داستانی، تفاوت نگرش زنانه نسبت به مردان در نوع نوشتن و پردازش شخصیت‌ها تا حد زیادی قابل لمس است.

شیرخانی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی جایگاه اجتماعی زن در میان متون ادبی ایران باستان و اعراب جاهلی» با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تبیین جایگاه اجتماعی زنان در ایران باستان و اعراب جاهلی پرداخته‌اند. نویسندگان به این نتیجه رسیدند که براساس متون مکتوب و غیرمکتوب، زن در دوره‌های مختلف ایران باستان، دارای حقوق و مزایای متناسب با جایگاه اجتماعی خویش بوده است؛ اما در میان اقوام مختلف اعراب، به جز زنان اشرافی اعراب، رفتار و جایگاه مناسبی در شأن شخصیت زن دیده نشده است.

احمدی (۱۳۹۰) در کتاب «پرستوها در راه‌اند: بررسی نخستین گرایش‌های زنانه در ادبیات فارسی و عربی»، با بررسی نمونه‌هایی از شعر، رمان و داستان فارسی و عربی، معتقد است: اندیشه‌های زنانه در هر دو حوزه فرهنگی و ادبی ویژگی‌ها و تمایلات مشترکی دارد. جنبش زنان ایران و عرب، برای دست یافتن به وضعیتی مطلوب در خانواده و جامعه، هم‌زمان شکل گرفته است. نویسندگان با جستجو در آثار ادبی این دو فرهنگ، به‌ویژه شعرهای عربی و فارسی و آثار داستانی، نمونه‌هایی از مؤلفه‌های زنانه را تحلیل کرده است.

وجه ممیزه پژوهش حاضر در این است که ابتدا به بررسی زمینه‌های شکل‌گیری این نوع داستان‌نویسی و پیشگامان آن در ادبیات فارسی و عربی می‌پردازد، سپس می‌کوشد بر مبنای تحولات آثار ادبی در دوره‌های

مختلف، یک نوع دسته‌بندی جریانی و سبکی از آثار داستانی زنان با تکیه بر ویژگی‌های گونه‌کاربردی زنان، به دست دهد که تاکنون انجام نگرفته است.

۵-۱. روش پژوهش و چارچوب نظری

تحلیل تطبیقی به‌عنوان یک رویکرد کیفی، یکی از منابع معرفتی در تمامی شاخه‌های مطالعات علوم انسانی است و براین فلسفه مبتنی است که حقیقت در کل جهان، تاریخ، جامعه و طبیعت متجلی است. افزون‌بر توصیف و تبیین مشابهت‌ها و تفاوت‌ها، شرایط و پیامدهای واحدهای اجتماعی کلان و بزرگ‌مقیاس همچون ملت‌ها، جوامع و کشورها را مورد مطالعه قرار می‌دهد (ر.ک: راگین، ۱۹۹۴: ۱۰۶، به‌نقل از علی-حسینی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

در نتیجه روش تطبیقی روش کشف اشتراک‌ها و افتراق‌ها در میان واقعیت‌ها و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی و انسانی در فضاهای زمانی و مکانی، مختلف است (ر.ک: لیتل، ۱۳۷۳: ۶۵، غفاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۴-۵۵). محورهای مهم در روش تحلیل تطبیقی زمینه‌های شکل‌گیری داستان‌نویسی زنان در ادبیات فارسی و عربی، در شکل زیر نشان داده شده‌است:

شکل ۱. نمودار تحلیل تطبیقی داستان‌نویسی زنانه در ادبیات فارسی و عربی (منبع: یافته‌های تحقیق)



«در جهان کهن، حضور زنان در عرصه‌های فرهنگی بسیار محو جلوه می‌کند و تنها در لابه‌لای تذکره‌ها

و گزینه‌های ادبی، گاه نام زنانی را هم می‌توان یافت که اغلب به شیوه‌های تفتنی و ذوقی به آراستن و نظم بخشیدن احساس و کلامشان پرداخته‌اند. آنان نه از طبقه متوسط یا پایین؛ بلکه بیشتر از میان خاندان‌های فرهنگی یا سیاسی برخاسته‌اند و به طرز مردان شعر گفته‌اند. رابعه دختر کعب قزدراری (سده چهارم هجری) و مهستی گنجوی (سده ششم هجری) و جهان‌ملک خاتون (سده هشتم) از جمله زنانی بودند که سنت‌های اجتماعی و ادبی عصر را به کنار نهادند و با وجود سروده‌های اندک‌شان، تاریخ ادبی نام آن‌ها را به خاطر می‌سپارد» (عابدی، ۱۳۸۰: ۱۵). در ادبیات فارسی تصویری واقعی از زنان به دست داده نشده‌است. آنچه درباره زنان صحبت می‌شود، در حقیقت، نمایشی از موجودی به نام زن است؛ که هیچ‌جا حضور نداشته و چون حضور نداشته و قلم در دست مردان بوده است، سیمای او را به هر گونه‌ای که پسند ایشان بوده است، ترسیم کرده‌اند (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۷: ۱۲). برخلاف ادبیات فارسی، فعالیت ادبی زنان در ادبیات عربی چشم‌گیرتر است. در ادبیات عرب، هر چند به معنای امروزی آن، زنانه‌نویسی وجود نداشت؛ شاهد زنان نویسنده و ادیب بسیاری در ادبیات عربی هستیم که برابر و یا حتی برتر از مردان در فعالیت‌های ادبی حضور داشته‌اند؛ ولی چنان که باید مورد توجه قرار نگرفته است.

زنانی همچون امه جندب، زن امرؤالقیس، جزء اولین کسانی است که در ادبیات عربی به نقد ذاتی پرداخته‌است (ر.ک: بدر معبدی، ۱۹۹۸: ۱۴). مرثی خنساء، سرشار از عاطفه و احساس زنانه است و شاید بتوان گفت از نخستین نمونه‌های زنانه‌نویسی است. در صدر اسلام و عصر اموی، زنان نقش بارزی در سرودن شعر عربی و فعالیت‌های نقد ادبی داشتند، که از جمله می‌توان به جلسات نقدی که سکینه بنت حسین (ع) میان ادبا و شعرا برگزار می‌کرد یا دیگر خطبای زن مانند عکرشه بنت الاطرش و ام‌الخیر بنت الحریشی و زرقا بنت عدی الهمدانیة، جلسات نقد شعر برگزار می‌کردند (همان: ۹۳). در عصر عباسی، زنان، نقش بارزی در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشتند. در این عصر، زنان علوی همچون کلثوم بنت وهب، با زبان و بیانی بلیغ به دفاع از حق علوی‌ها در خلافت می‌پرداختند. همچنین در عصر عباسی اول و دوم، زنان غزل‌سرایی وجود داشتند که از عشق و اشتیاق زنانگی‌شان می‌گفتند و کسانی را که دوست می‌داشتند، با توصیفات زنانه وصف می‌کردند. این غزلیات، سرشار از احساس و عواطف زنانه بودند (ر.ک: عثمان، ۱۹۸۹: ۱۳). در عصر مملوکی و عثمانی، هر چند مانند دوره‌های قبل، زنان نقش بارزی در عرصه ادبیات نداشتند، زنان نویسنده و راوی زیادی وجود داشت (همان: ۱۳۰). گستره فعالیت ادبی زنان در عصر جدید، بسیار برجسته و درخور توجه است که در بخش بعد بررسی می‌شود.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

رمان با تعریف و ویژگی‌های امروزی در ایران و کشورهای عربی، متأثر از ادبیات غربی است و با تکوین طبقات متوسط اجتماعی و ضرورت یافتن تجدد و نوگرایی در ساختارهای اجتماعی-سیاسی و ادبی پدید آمد. اعزام دانشجویان به خارج، تأسیس مدارس جدید و ضرورتاً به‌راه افتادن جریان و جنبشی به‌نام ترجمه در این کشورها، رمان را به‌عنوان گونه‌ای از ادبیات به مردم این سرزمین‌ها شناساند. شناختی که مقبولیت و پذیرش و در نتیجه شکل‌گیری و رشد رمان را در پی داشت.

ویرجینیا وولف^۱ (۱۹۴۱-۱۸۸۲م.) درباره تمایل زنان به رمان‌نویسی می‌گوید: «محدودیت تجربیات زنان در خانواده و فعالیت‌های روزمره‌شان می‌تواند خیلی راحت به‌شکل رمان ظاهر شود تا هر فرم ادبی دیگر... تجربیات آنان عمدتاً شامل مطالعه شخصیت‌ها و تحلیل احساسات می‌شود. زنان بسیاری به سبب آسان بودن این نوع ادبی، به‌سوی آن می‌آیند؛ زیرا در میان شکل‌های هنری، کمترین میزان تمرکز را می‌طلبند» (وولف، ۱۳۸۵: ۲۰۷).

با همه‌گیر شدن قالب رمان به‌عنوان ظرف گفتمان‌های معاصر، شاهد گسترش روزافزون گرایش نویسندگان زن به آن هستیم. در حقیقت رمان، یگانه گونه‌ادبی است که برای بیان مفاهیم زنانگی، گاه و اساسی تقابلی روایت‌های مردانه حاکم بر جامعه سنتی ایران و عرب و گاهی نیز به‌عنوان ابزاری برگزیده برای بازنمایی، جنبه‌هایی از زندگی جنسی زنان درآمده است. تحولات گسترده و دگرگونی‌های پیچیده دوره معاصر، این فرصت را در اختیار نویسندگان زن قرار داده است تا از ظرفیت‌های رمان برای بازتاب پسندها و ناپسندهای زنان و حتی بازسازی جایگاه و تعاریف خود در عرصه اجتماع بپردازند؛ ادبیاتی که در آن روایت از طرف زنان و به‌شیوه زنانه تولید شود و منجر به پدید آمدن واژگان تازه با بسامدهای متفاوت، لحن و شیوه‌بیان و ساختار تازه در داستان با شخصیت‌پردازی و زاویه دید و روایتی جدید است.

۲-۱. زمینه‌های شکل‌گیری ادبیات داستانی زنان در ادبیات فارسی و عربی

تحولات سیاسی-اجتماعی و فرهنگی دوران معاصر، زمینه‌ساز حضور فعال زنان در عرصه ادبی بوده است. مهم‌ترین زمینه‌های شکوفایی داستان‌نویسی زنان در ادبیات فارسی و عربی به شرح ذیل است:

۲-۱-۱. آموزش زنان

تحول فکری، فرهنگی زن ایرانی در جریان مشروطیت تا حدودی ناشی از قرار گرفتن ایران در گردونه روابط بین‌المللی از اوایل دوره قاجاریه است. پس از ایجاد چنین شرایطی، برخی از فرهیختگان و دولت-

مردان ایرانی در مقایسه وضعیت زنان ایرانی و زنان اروپایی آگاه با ارزیابی‌های شتاب‌زده به نکوهش زنان ایرانی پرداختند. مضمون عمده روزنامه‌ها و مجلات این دوره، نامه‌ها و مقالاتی است که درباره ضرورت تحصیل دختران و درودل زنان و دخترانی نوشته‌اند که در وادی حسرت دوری از تحصیل و تعلم به سر می‌بردند. اولین مدرسه دخترانه هم‌زمان با برقراری مشروطیت با نام «دوشیزگان» و به مدیریت «بی‌بی خانم وزیراف» یکی از زنان روشنفکر زمان، شروع به کار کرد. از نکات جالب توجه مربوط به این مدارس، لوایح و سخنرانی‌هایی است که در ضمن امتحانات یا به مناسبت‌های گوناگون، معلمان و دانش‌آموزان در فواید آموزش زنان و اثرات مثبت علم‌آموزی آنان، ایراد می‌کردند.

بی‌بی خانم استرآبادی که از زنان درس‌خوانده و آشنا به فرهنگ اصیل ایرانی است، ضمن آن‌که از وضعیت اسفبار زنان انتقاد می‌کند، برای دفاع از حیثیت آنان وارد عرصه می‌شود و در پاسخ به نویسنده «تأدیبات النسوان» که به تحقیر زن پرداخته، در کتاب *معایب الرجال* از زنان برجسته ادیان گوناگون نام می‌برد و نتیجه می‌گیرد: «فضیلت به انسانیت است، نه به مرد یا زن بودن». در پی چنین جریاناتی است که زنان در جنبش تنباکو، شورش قحطی ۱۲۷۷ ه.ق، شورش ۱۳۱۲ ه.ق تبریز، حضوری فعال و پررنگ می‌یابند و در تحولات مشروطیت زنان دوشادوش مردان به مبارزه برمی‌خیزند.

در ادبیات عربی نیز توجه به آموزش زنان، زمینه‌ساز تأسیس مراکز آموزشی جهت تعلیم دختران جوان شد. در سال ۱۸۸۱م. خانم امیلی سرسق و لیبیه جهشان، اولین مرکز آموزشی دختران را تأسیس کردند. پس از آن مراکز آموزشی زیادی مختص تعلیم زنان شکل گرفت که در آن‌ها بر فعالیت‌های ادبی و سیاسی، اجتماعی زنان تأکید می‌شد (ر.ک. مشتاوی، ۲۰۰۸: ۱۳-۱۵). به موازات آموزش زنان در مصر، آموزش در شام و سایر مناطق عربی هم رواج پیدا کرد، به طوری که در تاریخ، قدیم‌ترین مدارس دخترانه در شام ایجاد شد (زیدان، ۱۹۹۶، ج ۴: ۸۳). آموزش زنان در مصر و شام زمینه را برای حضور آن‌ها در محافل مختلف مهیا کرد، به طوری که زنان به محافل ادبی کشانیده شدند و الیس بطرس البستانی در کنار احمد امین و سایر ادبا، در مورد آزادی زن و آموزش و تعلیم آن مقاله‌هایی نوشت و در روزنامه‌های مختلف انتشار داد (عصفور، ۱۹۹۸: ۳).

۲-۱-۲. مجلات و نشریات زنان

انتشار روزنامه از دیگر زمینه‌های شکل‌گیری ادبیات زنان است. در ادبیات ایران، نخستین نشریه زنان (دانش) از سال ۱۳۲۸ ه.ق به صورت هفتگی چاپ می‌شد و به امورخانوادگی می‌پرداخت. این مجله به‌رغم اینکه اولین تجربه زنان در امر روزنامه‌نگاری به حساب می‌آمد، تا حدود زیادی در برآورده ساختن اهداف خود

موفق بود و در شناساندن زنان به اجتماع تأثیر بسیار گذاشت.

از نشریات مهم دیگر که زنان چاپ و منتشر می‌کردند، مجله مصور شکوفه است که در سال ۱۳۳۱ ه.ق منتشر شد. بیشتر مطالب و مقالات شکوفه مربوط به مدارس نسوان و امور بانوان بود. در سال‌های بعد از مشروطیت و هم‌زمان با آغاز حکومت رضاشاه، انتشار روزنامه و تشکیل انجمن‌های زنان شتاب بیشتری یافت.

در ادبیات عربی، خانم هند نوفل، مجله «الفتاة» را در سال ۱۸۹۲ م. در اسکندریه و خانم مریم صابونی مجله «المروة» را در سال ۱۸۹۳ م. در حلب و خانم لیبیه هاشم مجله «فتاة الشرق» را در سال ۱۹۰۶ م. و خانم عقیقه کرم، مجله «المروة السورية» را در سال ۱۹۱۱ م. تأسیس کردند. در همه این مجلات زنان را به یادگیری و نوشتن ترغیب می‌کردند (عصفور، ۱۹۹۸: ۲۲).

۳-۱-۲. سالن‌ها و انجمن‌های ادبی زنان

انجمن‌ها و محافل سیاسی-اجتماعی زنان، از دیگر عرصه‌های حضور جدی زنان در عرصه فعالیت‌های ادبی است. چنین تشکیلاتی در امر مشارکت زنان، بروز توانمندی‌ها و ارائه دیدگاه‌های زنان تحصیل کرده، جایگاه ویژه‌ای داشت. از این انجمن‌ها در ایران می‌توان به «انجمن آزادی‌زنان»، «انجمن مخدرات و وطن»، «اتحادیه غیبی نسوان»، «کمیته زنان» در تبریز و «انجمن شکوفه» اشاره کرد. در ادبیات عربی هم انجمن‌های ادبی زنان در رشد و گسترش ادبیات زنان نقشی ویژه داشت. سالن‌های ادبی زنانی چون انجمن «مریا نامرأش» در حلب و انجمن «نازلی فاضل» و انجمن «می‌زیاده» در قاهره باعث رونق جریان زنانه‌نویسی در ادبیات عربی شد. این فعالیت‌ها هرچند به نام فعالیت‌های ادبی زنان نام گرفته است؛ ولی در این انجمن‌ها مردانی چون تحتاوی (۱۸۰۱-۱۸۷۳)، که مدرسه‌ای برای آموزش دختران تأسیس کرده بود و قاسم امین (۱۸۶۴-۱۹۸۰) که دو کتاب مشهورش به نام «تخویر المروة» و «المروة الجدیة» در این راه است (همان: ۱۸). نشریات زنانه چون مجله الفتاه، انیس الجلیس و السیدات و البنات (۱۹۰۳) و السیدات و الرجال (۱۹۲۵) و تشکیل انجمن‌های ادبی، توسط زنان خانواده‌های وابسته به دولت و اشراف و پس‌از آن زنان طبقه متوسط در پیشرفت زنان رمان‌نویس عرب و فراگیری رمان خواندن توسط زنان بسیار مؤثر بود. در اواخر قرن نوزدهم از نخستین انجمن‌های ادبی زنانه، انجمن نازلی هانم فاضل، نوه ابراهیم پاشا و دختر فاضل پاشا ملقب به پدر آزادگان بود که تا شروع انجمن ادبی می‌زیاده (۱۹۴۱-۱۸۸۶) که از زنان طبقه متوسط بود، ادامه یافت (مشتاوی، ۲۰۰۸: ۲۴-۲۶).

۴-۱-۲. رشد و گسترش اندیشه‌های فمینیستی

نقد ادبی فمینیستی شعبه‌ای از جریان گسترده فمینیسم است، که به‌طور جدی از اواخر دهه ۱۹۶۰م. در امریکا و اروپا شکل گرفت. اساساً فمینیست‌ها همه ابعاد زندگی بشر و بالطبع نظریات علمی را محصول جامعه‌ای مردسالار می‌دانند و در پی برآشتن و واژگون کردن کلیه کاربردهای نظری پذیرفته شده‌اند (سلدن، ۱۳۷۷: ۲۵۴).

«منتقدان فمینیست حتی نشان داده‌اند که چگونه بازنمایی زنان در ادبیات، تکرار همان کلیشه‌های آشنای فرهنگی است. چنین کلیشه‌هایی، زنان را همچون موجودی فریبده و خطرناک، سلیطه‌ای همواره ناراضی، یا موجودی ملیح اما ذاتاً بی‌نوا، فرشته‌ای ملکوتی و فداکار و از این قبیل معرفی می‌کنند» (برتنس، ۱۳۸۷: ۱۱۵). در سیر نقد فمینیستی، دو دوره مشخص وجود دارد که از آن‌ها به «موج اول» و «موج دوم» تعبیر می‌شود: موج اول نقد فمینیستی قبل از دهه ۱۹۶۰م. بازتاب دل‌مشغولی‌های فمینیست‌ها در سراسر قرن نوزدهم و نیمه نخست قرن بیستم است و در پیوند با جنبش‌های حقوقی مدنی و حق‌رأی زنان و... شاخص‌ترین نویسندگان و منتقدان این دوره، ویرجینیا وولف و سیمون دوبووار^۱ (۱۹۰۸-۱۹۸۶م.) هستند. سهم کلی وولف به‌عنوان «مادر بنیان‌گذار مباحث فمینیستی معاصر» پذیرش این مطلب است که «هویت جنسی به‌گونه‌ای اجتماعی ساخته‌شده و می‌توان آن‌را به مبارزه طلبید و تغییر داد» (سلدن، ۱۳۷۷: ۲۵۸).

منتقدان فمینیست براین باورند که، باید اشتباهات طرز فکرهای بسیاری را که در طی قرون به صورتی نادرست در مورد زنان نقش گرفته‌است، به بشر نشان دهند. به‌زعم آنان، زنان انسان‌هایی دارای شخصیت مستقل هستند، نه مردانی ناقص یا موجوداتی فروتر. زنان، باید خود را از بند انقیدهای همیشگی واره‌اند و تعریفی متفاوت از خود به دست دهند (برسلر، ۱۳۸۶: ۲۰۷). سیمون دوبووار با انتشار کتاب بسیار اثرگذار جنس دوم^۲ با متمایز کردن دو مقوله جنس و جنسیت، جنس را به‌عنوان شاخصی زیستی و جنسیت^۳ را به‌عنوان شاخصی اجتماعی اعلام می‌کند که «هیچ کس زن متولد نمی‌شود، بلکه تبدیل به زن می‌شود» (سلدن، ۱۳۷۷: ۶۱-۲۶۰). بنابراین آنچه به‌طور سنتی و براساس تعریف موجود در جامعه، «زن» نامیده می‌شود، یک ساخت فرهنگی^۴ است، یک نقش جنسیتی است که به‌گونه‌ای فرهنگی برای تمام نسل‌های زنان تعیین شده است (برتنس، ۱۳۸۷: ۱۱۶). فمینیسم به‌طور کلی یک تاریخ سیاسی طولانی دارد و در سراسر

1. simone de Beauvoir
2. The Second Sex
3. Gender
4. Cultural Constructionnnv

سال‌های قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به‌مثابه نیرویی عمده نشو و نما کرده است و در ادبیات سراسر دنیا تأثیر گذاشته است.

۲-۲. داستان‌نویسی زنان در ادبیات فارسی

تحولات سیاسی-اجتماعی و فرهنگی دوران معاصر زمینه‌ساز حضور فعال زنان در عرصه ادبی بوده است. با انقلاب مشروطه (۱۳۲۴ ه.ق / ۱۹۰۶ م) راهکارهایی برای بهبود وضع زنان در ایران و تحقق مشارکت اجتماعی زنان به وجود آمد. از مهم‌ترین اهداف این جنبش، تحصیل و آموزش مساوی برای دختران، مشارکت در برنامه‌های سیاسی، اجتماعی، تفسیر مجدد از مقوله حجاب و تلاش برای کسب حقوق شهروندی بود (صادقی گیوی، ۱۳۸۸: ۱۲۴). پس از انقلاب مشروطه و در خلال آن، چهره‌هایی چون تاج-السلطنه دختر ناصرالدین شاه، شیخ هادی نجم‌آبادی، روحانی مبارز و همسر او سکینه کنداشلو و دخترش آغایگم، همسر ملک‌المتکلمین، روحانی مشهور مشروطه، ماهرخ گوهرشناس، محترم اسکندری، شمس-الملوک جواهرالکلام، درقه‌المعالی، یوسف اعتصامی مترجم کتاب *تحریرالمراة* اثر قاسم امین و دخترش پروین اعتصامی و صدیقه دولت‌آبادی خواهر یحیی دولت‌آبادی، از بنیان‌گذاران و فعالان جنبش حقوقی زنان به-شمار می‌آیند (همان).

بعد از تحولات اجتماعی و اقتصادی دوره مشروطه و مخصوصاً گسترش مدرنیسم در دوره حکومت پهلوی دوم، زمینه حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و از جمله فعالیت‌های ادبی بیشتر فراهم شد به طوری که در کنار مردانی چون نیما، صادق هدایت، صادق چوبک و... می‌توان از فروغ فرخزاد، سیمین دانشور، سیمین بهبهانی و شهرنوش پارسی‌پور یاد کرد.

داستان‌نویسی زنان به‌طور جدی با انتشار مجموعه داستانی *آتش خاموش* (۱۳۲۷) نوشته سیمین دانشور آغاز شده است؛ البته برخی معتقدند پیش از این تاریخ هم ردپایی از آثار داستانی زنان یافت می‌شود، مانند *افسانه و افسر من* (چاپ تهران، ۱۳۲۳، سربی، خشتی، ۷۴ صفحه) اثر مریم فیروز، که البته درباره اینکه این اثر، یک اثر داستانی است یا خیر، تردید وجود دارد؛ ولی این کتاب به‌عنوان نخستین کتاب ادبی منشور که به‌قلم یک زن ایرانی نوشته شده، معرفی شده است. احتمال می‌رود که «افسانه و افسر» نام فرزندان نویسنده کتاب باشد (رادفر، ۱۳۷۸: ۴۰). همچنین نظریه‌پردازان ادبیات داستانی، معتقدند پیش از سیمین دانشور، بانو امینه پاکروان رمان‌هایی به زبان فرانسه در ایران منتشر کرده بود (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۱)؛ ولی از آنجا که سیمین دانشور نخستین نویسنده‌ای است که به زبان فارسی آثار داستانی منتشر کرده است، همگان وی را نخستین

نویسنده زن در تاریخ ادبیات داستانی فارسی می‌شناسند.

۱-۲-۲. دوره اول داستان‌نویسی زنان در ادبیات فارسی

در فاصله زمانی ۱۳۱۰ تا ۱۳۴۰ - یعنی یک دوره سی ساله - تنها به نام پانزده نویسنده زن برمی‌خوریم؛ درحالی‌که تعداد نویسندگان مرد فعال در عرصه نویسندگی ۲۷۰ نفر بوده است، یعنی در مقابل هر نویسنده زن، هیجده نویسنده مرد حضور داشته است. در این دوره، زنان در عرصه داستان‌نویسی حضور کم‌رنگی دارند (میرعبادینی، ۱۳۸۳: ۶۰-۶۵). در این دوران، زنان درگیر مبارزه برای کسب حقوق اولیه خویش‌اند و هنوز، امکان گشودن درهای مراکز ادبی را، به‌روی خود نیافته‌اند. آثار پدیدآمده در این دوره‌زمانی، ارزش ادبی چندانی ندارند و از میان آن‌ها نمی‌توان اثری را چشم‌گیر و شاخص دانست. این آثار بیشتر از نظر تاریخی و ظهور چند داستان‌نویس زن واجد اهمیت‌اند، و گرنه زنان داستان‌نویس اثر خارق‌العاده‌ای نیافریده‌اند و عمدتاً دنباله‌رو شیوه‌ها و نظرگاه‌های نویسندگان مرد بوده‌اند.

اولین نویسنده‌های زن ایرانی وقتی در دهه ۴۰ دست به قلم بردند، تعدادشان تنها بیست و پنج نفر بود. به دلیل نگاه خاص جامعه مردسالار به آن‌ها، این تعداد مجبور بودند نام مستعار برای خود انتخاب کنند تا بتوانند مخاطبانی را برای خود بیابند: از جمله آن‌ها سیمین دانشور با نام مستعار «شیرازی بی‌نام» و شهرنوش پارسی‌پور با نام مستعار «شهرین» بود. اولین نوشته‌ها با اینکه مسأله‌شان هویت زنان بود؛ اما درنهایت همان نگاه مردانه را بازتولید می‌کردند. مثلاً در رمان سوشون که اولین رمان است که یک زن نوشته است، شخصیت اول داستان، زری، زنی منفعل است که «از خود اراده‌ای ندارد، منتظر است یوسف برایش فکر کند و تصمیم بگیرد» این مسأله در ابتدا که شاهد شکل‌گیری ادبیات زنان هستیم، امری طبیعی به نظر می‌رسد که شخصیت اصلی داستان (اگر زن باشد) به‌ندرت دست به کاری دلاورانه بزند و بیشتر سعی در حفظ وضع موجود دارد.

زنان نویسنده در این دوره، هنوز قالب ذهنی مردانه مسلط زمان را نشکسته‌اند و به شرح زندگی، دغدغه‌ها و مسائل روزمره فردی و اجتماعی از نگاه مردان می‌پردازند، به‌نحوی که اگر نام نویسندگان از زیر آثار آن‌ها حذف شود، خواننده گمان می‌برد که نویسنده داستان مرد است. در این گروه از آثار، شخصیت زنان در ادامه تفکر غالب در ادبیات فارسی، در دو قطب متضاد معصومان و بی‌گناهان بالفطره یا شروران، عجوزگان و پتیارگان بالفطره قرار می‌گیرند. این دسته از آثار، از آثار دانشور شروع شده و تا بعد از انقلاب در آثار منیرو روانی‌پور، گلی ترقی، شهرنوش پارسی‌پور، غزاله عزیزاده و تا حدودی در آثار فرخنده آقایی ادامه دارد.

محور و گفتمان غالب در این آثار، مسائل سیاسی و اجتماعی است و آنچه همه روشنفکران معاصر ایران به گونه‌ای درگیر آن هستند. همچنین آثار یاد شده، شرایط خاص و تجربیات و ذهنیات زنان را در فرهنگ‌های مختلف بازتاب می‌دهد؛ یعنی تجربه «خرده فرهنگ‌های» به‌حاشیه‌رانده در قلمرو مردانه را بازتاب می‌دهد؛ ولی تأکید نویسندگان بر بیان رنج و محرومیت زنان است. اغلب زنانی توصیف می‌شود که در چاره کار مانده‌اند و ساختن با وضع موجود را ترجیح می‌دهند و به آن دل خوش کرده‌اند. در این دوره نویسندگان زن، معیارهای مذکر غالب را تقلید می‌کردند، این معیارها از زنان می‌خواست که زنانی محترم باقی بمانند، حوزه اصلی آنان خانه بود و محدودیت‌های معینی را در توصیف می‌پذیرفتند. نهایت تلاش داستان‌نویسان زن در این دوره، این بود که از ادبیات سود برند تا مظلومیت زن را به‌نمایش بگذارند. ادبیات این دوره، بیانگر بی‌عدالتی‌هایی است که زنان از آن رنج می‌بردند. «دانشور، ترقی، پرسی‌پور، علیزاده و آقایی در آثار خود به شکل هویت و جایگاه زن ایرانی، در یک مرحله تغییر و تحول اجتماعی می‌پردازند و تلاش زنان برای خودیابی را از طریق انتقاد از جامعه مردسالار درمی‌آمیزند که زن را در پيله‌ای از بایدها و نبایدها محبوس می‌کند» (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۱۱۰۹). در دو دهه چهل و پنجاه، به‌طور خاص چندین زن به‌عنوان نویسنده مطرح شدند. جدای از سیمین دانشور که از دهه‌های قبل وارد عرصه شده بود، می‌توان از گلی ترقی، مهشید امیرشاهی، شهرنوش پرسی‌پور، مهین بهرامی و غزاله علیزاده یاد کرد، که در این دوره کار خود را شروع کردند. انقلاب سال پنجاه و هفت، تغییر حکومت، جنگ و تبعات اقتصادی و روانی آن-ها در اواخر دهه پنجاه چنان اثری بر زنان می‌گذارد که آنان را برمی‌انگیزد که با جدیت بیشتری به دنبال کشف هویت خویش باشند.

۲-۲-۲. دوره دوم داستان‌نویسی زنان در ادبیات فارسی

دوره دوم داستان‌نویسی زنان، از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ ه. ش را در برمی‌گیرد؛ این دسته از آثار داستانی زنان نیز مانند آثار گروه اول، بر سازنده گفتمان سنتی از زن هستند و در آن شاهد ظهور گفتمان جدید نیستیم. مسائل و تصویر زنان در این رمان‌ها در کنار موضوع اصلی مطرح می‌شود. زنان اسیر احساس، عاطفه، روابط خانوادگی، فریب مردان، و نقش‌ها و کلیشه‌های سنتی هستند.

دوره دوم مرحله بحران هویت است. در این مرحله، زنان برای دست‌یابی به هویت گمشده خویش در مواجهه با سنت‌ها و آداب و رسوم پذیرفته شده جامعه قرار می‌گیرند و همه چیز را مورد تردید قرار می‌دهند و داستان‌هایشان بیشتر به‌عنوان یک بیانیه سیاسی-اجتماعی برای رسیدن به حقوق از دست‌رفته خود است؛ اما چنان در تلاش بیان خویش و مسائل خویشند که ادبیت اثرشان کمرنگ شده و بعد هنری کارشان

ضعیف می‌شود. در این دوره، زنان بیشتر نقش راوی داستان را دارند و بسیاری از درگیری‌های شخصی و دغدغه‌های زندگی خود را وارد داستان می‌کنند. نویسندگان پیگیر این دوره، راه را برای داستان‌نویسان دوره‌های بعد هموار می‌کنند. آنان در جهت شکل‌بخشیدن به شیوه‌ی ادبی که تا پیش از آن عمدتاً در انحصار مردان بود، می‌کوشند. علاوه بر سیمین دانشور که کار خود را از دو دهه قبل شروع کرده، اما در این دوره شاهکارش، سووشون، را به چاپ سپرده است، می‌توان از مهشید امیرشاهی، گلگی ترقی، فرخنده آقایی، منیرو روانی‌پور، ناهید طباطبایی، فرشته مولوی، زویا پیرزاد، فرشته ساری، راضیه تجار، شهرنوش پارسی پور، غزاله علیزاده و مهین بهرامی نیز نام برد.

میرعابدینی معتقد است: «از سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷، زنان نویسنده، آثاری حدیث‌نفس گونه نوشته‌اند و در این آثار زندگی درونی پرمایه‌ای را به‌نمایش می‌گذارند. عدم استقلال شخصیت زنانی که در تنگنای خواست‌های خود و انتظارات خانواده و جامعه قرار گرفته‌اند و هویت‌شان فقط در رابطه با مردان مشخص می‌شود، جنبه‌ای سوگ‌نامه‌ای به این آثار می‌بخشد. نوشته‌های زنان داستان‌سرا در این دوره، بازتابی از تجربه‌ها و حالات شخصی آنان است؛ اما به صورت کنایی ابعاد سیاسی و اجتماعی جامعه را نیز دربر می‌گیرد» (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۴۰۸-۴۰۹). دو دهه پنجاه تا شصت و دهه شصت تا هفتاد از نظر آماری مشابه‌اند، یعنی در هر دهه، ۲۸ نویسنده زن شروع به نوشتن کرده‌اند. در سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۶۰، در مقابل این ۲۸ نویسنده زن، ۱۹۸ نویسنده مرد نخستین آثار خود را منتشر کرده‌اند، یعنی به‌ازای هر یک نویسنده زن، هفت نویسنده مرد وجود دارد؛ اما در دهه بعد به تعداد ۱۴۰ نویسنده مرد برخورد می‌کنیم، یعنی در این دهه، مردان کمتری داستان نوشته‌اند، درحالی‌که عده زنان نویسنده فرقی نکرده است (ر.ک: میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۶۰-۶۵). بنابراین در دهه شصت زنان بسیاری به نویسندگی روی می‌آورند و حضورشان در عرصه ادبیات داستانی سیر صعودی چشمگیری دارد، به‌حدی که تنوع آثار آنها و نیز کیفیت کار بسیاری از آنان به حدی می‌رسد که می‌توان از آغاز یک «ادبیات زنانه» سخن گفت.

«در این مرحله با نوشتاری روبه‌رو هستیم که تجربه زنانه را صریح و بی‌آلایش فارغ از مرزبندی میان دو جنس به‌تصویر می‌کشد. موضوعات مطرح در آثار این دوره عبارتند از: خودشناسی، خودیابی و خودجویی در دایره خانواده و ارتباطات فامیلی، عاشق‌شدن و جست‌وجوی عشق، بیان مسأله حق انتخاب، میل به تجدد، توجه به نیازهای جنسی، آزادی‌خواهی زنانه در داستان، زندگی با آرامش کنار یک مرد، ترسیم ذهنیت رمانتیک زنانه، موقعیت‌های اجتماعی زنان، استفاده ابزاری از زن، روسپی‌گری زنان، تلاش برای تمایز بخشیدن به هویت زنانه» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۲۳).

۳-۲. دوره سوم داستان‌نویسی زنان در ادبیات فارسی

از دهه ۱۳۷۰ تاکنون، در حدود پانصد نویسنده زن شروع به انتشار اولین اثر خود می‌کنند؛ یعنی تقریباً ۱۳ برابر نویسندگان زن دهه قبل است. عده نویسندگان مرد در این دوره زمانی ۷۰۰ نفر است. فاصله خیلی کم شده است و شاخص مقایسه تعداد نویسندگان مرد که پنج برابر نویسندگان زن بود به ۱/۵ برابر تقلیل یافته است. زنان چه در عرصه رمان متعالی و چه در عرصه رمان عامه‌پسند - همچنان که در دیگر عرصه‌های حیات اجتماعی - حضوری محسوس دارند. به جز زنان پاورقی‌نویس که آثارشان صرفاً به جهت سرگرمی نوشته شده‌است و از ارزش هنری چندانی برخوردار نیست، در حیطه ادبیات متعالی، علاوه بر نویسندگان مطرح نسل‌های پیش که با چاپ آثار خود در ایران یا خارج از ایران در عرصه ادبی فعال بوده‌اند، می‌توان حداقل از ۵۰ نویسنده زن نام برد که کار خود را در این دهه شروع کرده‌اند و در نوشتن پی‌گیر بوده‌اند و برخی از آن‌ها برنده جوایز ادبی شده‌اند. نویسندگانی مانند شیوا ارسطویی، میترا الیاتی، ناتاشا امیری، راضیه تجار، زویا پیرزاد، فرشته توانگر، فرخنده حاجی‌زاده، خاطره حجازی، مهین دانشور، میترا داور، مهکامه رحیم‌زاده، سپیده شاملو، ناهید طباطبایی، طاهره علوی، فرزانه کرم‌پور، فرشته مولوی، محبوبه میرقدیری و فریبا وفی که البته اغلب آنان در مراحل آغازین کار خود هستند و میزان موفقیتشان در گرو گذر زمان و کیفیت آثاری است که پدید خواهند آورد (ر.ک: میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۶۰-۶۵).

مشخصه آثارشان در ظاهر زنانه‌نویسی است. آزادی زن؛ خروج زن از انفعال؛ ارتقای نقش‌پذیری زن از همسر خانه‌دار تا کنشگری اجتماعی؛ تعدد شخصت‌های زن؛ انتخاب قهرمان داستان از بین زنان و اینکه راوی داستان‌شان اول شخص و زن است و مسأله‌اش نیز مسأله زنان است، از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار داستانی زنان در دوره سوم زنانه‌نویسی است. «قهرمان این آثار، زنی است که رویکردی نوین و روحیه‌ای آزادی‌خواه دارد. نقادانه و بی‌پروا وارد عرصه‌های اجتماعی می‌شود و علیه نظم اجتماعی موجود طغیان می‌کند و برای گفتن ناگفته‌ها تلاش دارد. در بیان تجربه‌های حسی، عاشقانه و جنسی تابوشکنی می‌کند، به تن و نیازهای تن و توانمندی‌های زنانه نگاه دیگرگونه دارد. تن‌کامگی را به عریانی تصور می‌کند. بر حقوق و روابط نابرابر زن و مرد یورش می‌برد و مغرورانه در پی ابراز هویت مستقل زنانه خویش است. میل به تجدد و استقلال اقتصادی و حق انتخاب دارد» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۲۴).

دوره سوم، دوره توفیق در خلق آثار داستانی است. در این دوره، داستان‌هایی خلق می‌شوند که جسارت داستان‌های دسته دوم را با شکل و غنای ادبی درهم می‌آمیزند و نوظللی را با خلق صورت‌های نو در داستان‌نویسی عجین می‌کنند. در مجموع دوره اول، دوره تسلط اندیشه حاکم - تفکر مردسالارانه - نسبت به

احساسات زنان است، دوره دوم دوره فوران و جوشش ناخودآگاه عواطف و احساسات است و دوره سوم آشتی میان احساس، اندیشه و حرکت از سوی احساس به سوی دیدگاه و اندیشه معینی درباره زندگی است. این ویژگی را می‌توان در آثار شیوا ارسطویی، طاهره علوی، فریده خردمند، فرخنده حاجی‌زاده، منصوره شریف‌زاده، خاطره حجازی، رؤیا شاپوریان، مهین داوری و مهسا محب‌علی مشاهده کرد (ر.ک. یرثی، ۱۳۷۸ و علیخانی، ۱۳۸۰: ۱۰-۱۱). در دوره سوم داستان‌نویسی زنان از اواسط دهه هفتاد به این سو، چرخشی در رویکرد گفتمانی ادبیات زنان به وجود آمد که در کنار دیگر رمان‌ها حیات خود را آغاز کردند. در این نوع از ادبیات، زنان تجربه جدیدی از زندگی را محک می‌زنند. ساختار این دسته از آثار به این شیوه است که رخدادهای داستان کاهش یافته و برای نخستین بار شاهد «گفتگوی درونی» شخصیت‌های اصلی در این داستان‌ها هستیم. زنان در این دسته از داستان‌ها، در خلال گفتگوی درونی با خود، بیش از هر چیز دغدغه دنیای درونی‌شان را روایت و برجسته کرده‌اند و ذهن مخاطب را نسبت به آنچه برای خودشان مهم است، سوق می‌دهند.

تفاوت زنان در این دسته از داستان‌ها با زنان دیگر رمان‌ها در این است که زن‌دیروز در رمان‌ها گفتگو کردن با خود و حرف زدن از خود را نیاموخته بود. زن در آثار داستانی دهه اول و دوم داستان‌نویسی زنان، در پس‌نقش‌ها استحاله شده است. رخدادهای و حوادث هستند که برایش تعیین می‌کنند چگونه سخن بگوید و چگونه خود را معرفی کند؛ ولی در آثار داستانی دهه سوم، راوی خود را به شیوه‌ای جدید روایت می‌کند (ر.ک. پرستش و ساسانی‌خواه، ۱۳۸۹: ۵۶-۶۰). این ویژگی در رمان عادت می‌کنیم از زویا پیرزاد، انگار گفته بودی لیلی از سپیده شاملو، از شیطان آموخت و سوزاند از فرخنده آقایی، درخور مشاهده است. در این دسته از آثار زنان با روایت زندگی گذشته شخصیت‌های داستانی، به نقد موقعیت زن در جوامع مردسالار پرداخته‌اند و با فاصله گرفتن از نگرش سنتی خود، تصویری جدید از زن ارائه می‌دهند. زنان با بازگشت به گذشته زندگی خود، در معرض تنش‌ها قرار می‌گیرند، سعی دارند تضادهای حل‌کننده، علایق و نیازهای خود را مطرح کنند، زمانی از آن خود دارند، با قدرت تحمیلی از سوی دیگران مقابله می‌کنند و با حفظ روابط خانوادگی در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت دارند.

۳-۲. داستان‌نویسی زنان در ادبیات عربی

نخستین زن داستان‌نویس عرب، اَلیس بستانی بود که پیش از پنجاه سال زودتر از داستان‌نویس زن ایرانی وارد صحنه شد. اَلیس بطرس بستانی، لیبیه هاشم و زینب فواز، پیشگامان زن رمان‌نویسی عرب در قرن

نوزدهم میلادی به‌شمار می‌روند. زینب فواز در پیش‌گفتار کتابش به‌نقل از ساره نوفل (نویسنده) نوشته است: ما زنان از هم‌اکنون باید باهم متحد شویم و عادت‌ها و باورهای زیان‌بار برای جسم و روح و زندگی‌مان را به دور اندازیم، باید حقوق و وظایفمان را بشناسیم... نوشته‌های می‌زیاده و اندیشه‌های اصلاحی او برای زنان بیشترین اندازه‌ی جسارت را در میان نوشته‌های مدافع حقوق زنان در خود داشت.

در کشورهای عربی (لبنان و مصر) نیز از حدود سال‌های ۱۲۴۹ خورشیدی (۱۸۷۰ م) رمان‌نویسی آغاز شد که می‌توان برای نمونه به داستان پاورقی سلیم بستانی در روزنامه پدرش بطرس بستانی - الجنان - اشاره کرد. در سال ۱۸۷۰ کامل آن در بیروت منتشر شد. بطرس بستانی یکی از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و معلمانی بود که افزون بر آن که چون حلقه واسطی نوشته‌های رفاعة الطهطاوی (۱۸۰۱-۱۸۷۳) را به نوشته‌ها و کوشش‌های فارس‌الشدیاق (۱۸۸۷-۱۸۰۹) درباره لزوم و ضرورت دانش‌آموختن زنان پیوند می‌زد، خود نیز با تأکید بر حضور زنان در جامعه و دانش‌آموختن آنان، به انتشار روزنامه و تأسیس مدرسه دست یازید. ضمن آن که بطرس بستانی نخستین مترجم رمان به زبان عربی است. یوسف‌الیان سرکیس، در کتاب فرهنگ مطبوعات عربی می‌گوید: «استاد بطرس بستانی مترجم رمان رابینسون کروزوئه از زبان انگلیسی است که آن را در سال ۱۸۳۵ منتشر کرده است» (ر.ک. عصفور، ۱۹۹۸).

الیس بستانی به سال ۱۸۹۱، تنها رمانش به‌نام صائبه را در بیروت منتشر کرد. الیس بستانی که جابر عصفور، پدر بطرس بستانی را مسئول داستان‌نویس شدن او می‌داند و طراز لبیبه‌هاشم (۱۹۴۷-۱۹۸۰) و نیز زینب فواز را از پیشگامان زن رمان عربی هستند. البته عائشه تیموریه (۱۸۴۰-۱۹۰۲) در سرودن قصیده و نوشتن مقاله، از پیشگامان زن بدون رقیب در ادبیات عربی است. مقاله‌های او موجب ظهور زنانی چون زینب فواز و ادامه‌ی روند او شد. زینب فواز با نوشتن مقاله در نشریات الفتاه و انیس‌الجلس و المؤید و النيل در روند رشد بینش فمینیستی آغازگر و زمینه‌ساز بود و نوشته‌های قاسم امین (۱۸۶۵-۱۹۰۸)، نویسنده‌ی روشنفکر و مدافع آزادی و حقوق زن، در کتاب معروفش به نام آزادی زن، موجب گسترش این امر شد (ر.ک. پارسی، ۱۳۷۹: ۳۲).

۱-۳-۲. دوره اول داستان‌نویسی زنان در ادبیات عربی

داستان‌نویسی زنان در ادبیات عربی، سه دوره را سپری کرد. مرحله اول؛ همان است که تحت عنوان پیشگامان زنانه‌نویسی در ادبیات داستانی عربی از آن یاد شد که زنان تحت تأثیر ادبیات مردان، داستان‌هایی درباره محرومیت زنان ضرورت توجه به تعلیم و آموزش زنان نوشتند. در دوران معاصر ارتباط تمدنی با غرب و به‌ویژه با فرانسه نقش بسزایی در ساختن تفکرات آزادی‌خواهانه مربوط به زن در وطن عربی داشت. رفاعة

طهطاوی (۱۸۰۱-۱۸۷۳) بسیار شیفته زن پارسی، باسواد و آراسته و درعین حال دارای عفت بود. به همین دلیل در کتابش با نام *المُرشد الامین فی تعلیم بنات و البنین* دعوت به آموزش زنان می‌کند. (دودین، ۲۰۰۸: ۶۰) بعد از او امام محمد عبده (۱۸۴۸-۱۹۰۵) و قاسم امین (۱۸۶۳-۱۹۰۸) سپس طاهر حداد (متوفی ۱۹۳۰) تحت تأثیر آرای فکری فمینیستی برخاسته از جهان غرب، به‌ویژه فرانسه بر آموزش و تربیت زنان و نیز تشویق زنان به پیگیری حقوق ازدست‌رفته‌شان پرداخته‌اند (همان، ۶۱).

در این زمینه زنان داستان‌نویس عرب نیز متأثر از این دیدگاه‌ها در زمینه آزادی زنان فعالیت داشتند. مریم النحاس در سال ۱۸۷۹ کتاب *معارض الحسنة فی تراجم مشاهیر النساء و عایشة التیموریة* در سال ۱۸۸۷ در کتاب *نتایج الأحوال فی الاقوال و الافعال* و زینب فواز در سال ۱۸۹۳ در *رمان حسن العواقب* با تأکید بر رنج و محرومیت زنان در ساختار روایت داستان و تأکید بر ضرورت توجه به آزادی زن در درون‌مایه داستان، در امر آزادی زنان و ضرورت توجه به حقوق زن و دفاع از محرومیت آنان پرداختند (مشتاوی، ۲۰۰۸، ۳۲ و دودین، ۲۰۰۸: ۶۱-۶۲).

از واپسین سال‌های قرن نوزدهم و با حضور رمان‌های *حسن العواقب* (۱۸۹۹) زینب فواز و بعد از آن *قلب-الرجل* (۱۹۰۴) از لبیبة هاشم و سپس *حسنة سالونیک* (۱۹۰۴) از لبیبة میخائیل تا سال‌های ۱۹۶۰ که در این ایام رمان‌های بسیاری توسط زنان رمان‌نویس نوشته شد، نوشتار زنانه دارای یک ریتم خاص و نوعی مستقل از سایر رمان‌هایی است که بعد از این سال‌ها نوشته شده‌است. در این رمان‌ها از آنجایی که برخی معتقدند که رمان زنانه، حتی قبل از مردان پای به‌عرصه وجود نهاد، قدرت مادرانه زن و توانایی او در روایت حوادث نقشی اساسی در نوشتن رمان‌های زنانه در این دوره داشته‌است. همان‌گونه که خود زنان در فن قصه و روایت داستان بر مردان پیشی گرفته بودند و روایتگری شهرزاد نمونه عینی و بارز این سبقت است.

۲-۳-۲. دوره دوم داستان‌نویسی زنان در ادبیات عربی

دوره دوم داستان‌نویسی زنانه در ادبیات عربی، مربوط به پیش از دهه ۵۰ میلادی است. در این داستان‌ها زنان به نابرابری‌ها و ظلمی که جامعه مردسالار در حق آنان روا داشته، پرداخته و ضرورت توجه به تساوی حقوق زن و مرد را در داستان‌هایشان از زبان شخصیت‌ها و در خلال گفتگوهای داستانی بیان کرده‌اند. در این داستان‌ها، زنان هنوز به یقین و باوری در مورد خودشان دست نیافتند و با تردید در مورد خودشان صحبت می‌کنند. از جمله نویسندگان این دوره می‌توان به وداد السکاکینی نویسنده لبنانی که در ۱۹۵۰ رمان *اروی بنت‌الخطوب* و رمان *الحب‌المحرم* را در سال ۱۹۵۳ نوشت. در این رمان‌ها نویسنده به تجربیات خاص زنانه از جمله خانه‌داری، احساسات و عواطف زنانه، روزمرگی و یک‌نواختی در زندگی زنان پرداخته‌است

(ر.ک. دودین، ۲۰۰۸: ۷۶-۸۲).

گرایش‌های فمینیستی در دوران معاصر و نیمه دوم قرن بیستم بسیار گسترش یافت و نویسندگان مشهور زن در این دوره با نوشتن رمان‌های مختلف ظهور کردند. آسیه جبار نام دیگر فاطمه-زهره ایمالیان است، رمان‌نویس، مترجم و فیلم‌ساز الجزایری که در سال ۱۹۳۶ م. متولد شده است. بخش اعظم نوشته‌ها و کارهای این نویسنده الجزایری به موضوع موانع و مشکلات زندگی زنان می‌پردازد. در واقع او در آثارش نگاه فمینیستی خود را به شکل آشکار عرضه کرده است. مهم‌ترین دغدغه او مسائل زنان است و به‌عنوان یک چهره فعال جنبش زنان شناخته می‌شود. او در رمان‌های خود به‌وضوح مسائل و درگیری‌های زنان الجزایر را به‌صورت سلسله‌وار و مرتبط باهم پیگیری کرده است.

نویسنده دیگر این دوره، صبریه محمد نویسنده زن عراقی است که دو روایت «جریه الرجل» و «الرجل هو الجانی» را در سال‌های ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴ و خانم هیام نویلاتی که رمان *فی‌اللیل* را در سال ۱۹۵۹ نوشت. در اکثر این رمان‌ها، زنان به مساوات با مردان و حق و حقوقشان در جامعه اشاره کرده‌اند.

۳-۲. دوره سوم داستان‌نویسی زنان در ادبیات عربی

دوره سوم در داستان‌نویسی زنان در ادبیات عربی، بعد از دهه ۵۰ م. آغاز می‌شود. این دوره از داستان‌نویسی زنان، مرحله‌ای است که زنان از شک و تردید و انفعال و محافظه‌کاری بیرون آمدند و وارد مرحله اعلان شورش در برابر ارزش‌های جامعه می‌شوند.

در این مرحله صدای زنان در داستان‌نویسی عربی بیش از پیش شنیده شد. از جمله نویسندگان این دوره می‌توان به لیل بعلبکی که در سال ۱۹۵۸ رمان *أنا احیا و کولیت خوری* که در سال ۱۹۶۰ رمان *ایام معة* را نوشتند، اشاره کرد. بیشتر این داستان‌ها ذاتی و نوعی روایت خود است که به شیوه خطی روایت شده‌اند. تعدد شخصیت‌های زن، زاویه دید زنانه، پرداختن به موضوعات خاص زنان و روایت تن‌ویدن زنان، تغییر نقش‌پذیری زن و ارتقای نقش او تا فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، مهم‌ترین ویژگی‌های داستان‌های زنان در این دوره است.

رمان *أروى بنت الخطوب* (۱۹۴۹) از وداد سکا کینی اولین رمان زنانه و فنی در تاریخ رمان‌نویسی عربی است و اگرچه قبل از این رمان همان‌گونه که اشاره شد، رمان‌های مشهور دیگری در این زمینه نوشته شد، پیشرفتی که این رمان در رمان‌نویسی زنان عرب داشت و رمان‌هایی که بعد از این رمان نوشته شدند، جایی برای سؤال باقی نگذاشته است و اینکه رمان زنانه نه تنها در مقابل نوشتار مردانه رکودی نداشته است، بلکه بر

آن پیشی گرفته است.

رمان *اسرار وصیفة مصریة* از زینب محمد و فی، *الرهینة* از امیلی نصرالله، *جریمه* رجل از صبریة محمد، *الرجل هو الجانی* و *الحجاب/المهتوك* از هند سلامة، *الحب و الوحل* از أنعام مسالمة و رمان *فی اللیل* از هیام نویلاقی از دیگر رمان‌های مشهور در این دوره به‌شمار می‌آیند که در ادامه آن‌ها رمان‌های *الحامحة* از امینه السعید، *أنا أحیا* از لیل بعلبکی، *أیامعة* از کولیت خوری قرار می‌گیرد. وجه اشتراک همه این رمان‌ها پرداختن به زنان، مشکلات آن‌ها، نیازهای آن‌ها، جسم و جان آن‌ها و مسائل جنسی آن‌هاست و به‌طور کلی بیشتر بر عشق، خانواده و فرزند تأکید دارند.

در رمان‌های هیفا بیطار، نویسنده با تکیه بر شخصیت‌های زن در زنانه کردن رمان می‌کوشد. وی با نواختن بر ناگفته‌های جامعه عربی با موضوعاتی درگیر می‌شود که بیشتر نویسندگان از نزدیک شدن به آن‌ها خودداری می‌کنند. نویسنده در رمان‌های خویش بیشتر بر رنج زنان سنت‌شکن، جداشده از همسر و رنج زنان مادر، تکیه می‌کند. خواننده در این رمان‌ها با زنان دانش‌آموخته‌ای رویاروست که از دغدغه‌های خویش درباره دردهای ویژه زنان در جامعه مردسالار عربی سخن می‌گوید. این زنان می‌کوشند با سنت-شکنی و نادیده گرفتن ارزش‌های جافتاده در جامعه، مخالفت خود را با مردسالاری حاکم بر جامعه‌های عربی بیان کند (ر.ک: نیازی و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۲۰).

زن عرب در رمان‌های زنانه از جایگاه نابسامان خویش در جامعه‌ای که مرد را برتر از زن می‌شمارد، ناخشنود است. او پرده از ارزش‌های مردسالارانه و ساختگی جامعه عربی برمی‌دارد و واقعیت‌خشنی را که زن عرب با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، نمایان می‌سازد. هیفا بیطار می‌کوشد رنج‌های ویژه جنس زن در جامعه عرب را که زن‌گزیری از چشیدن آن‌ها ندارد، نشان دهد (همان: ۱۲۱).

رمان‌نویسان زن عرب، بیشتر، در نوشته‌های خویش دو گونه زن را ترسیم می‌کنند: یکی زن سرسپرده و دیگری زن سنت‌شکن (همان: ۱۲۲). رمان‌های نوشته شده در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۷ بیشتر وارد حیطه‌های سیاسی و اجتماعی شدند و مضامین و موضوعات سیاسی در این دوره، بیشتر از هرزمانی در رمان‌های زنانه نمود پیدا کرده است. نویسندگانی مانند لطیفه‌الزیات، لیلی الیافی، منی جبور، کولیت خوری، حیا بیطار، ماجده العطار و امیلی نصرالله از مهم‌ترین نویسندگان این عرصه به‌شمار می‌آیند. در این دوره جنسیت زنانه و مردانه کمتر مطرح است و نویسندگان زن برای آزادی سیاسی و اجتماعی خود و مردانشان می‌نویسند و به سیاست به‌مثابه یک امر کلی و عمومی نگاه می‌کنند.

نویسندگان در این دوره به مسائل ملی و میهنی پرداختند و سعی در آشکار کردن مشکلات جامعه و برخورد با آن‌ها داشتند. ادب جنگ و نوشتارهای جنگی، مسائل مربوط به جنگ و جبهه و اسارت مردان از

دیگر مضامین رمان‌های زنانه در این دوره است. رمان‌های *دمشق یا بسمه الحزن* از الفت الإدلی، *عصافیر الفجر* از لیلی عسیران، *الدوامه* از قمر کیلانی، *وداع مع الأصبیل* از فتحیه محمود المانع، *تشرق غرباً* از لیلی الأطرش، *سأمر علی الأحران* از بلقیس حومانی و *لیلة الملیار* از غادة السمان مهم‌ترین رمان‌های نوشته‌شده در این زمینه است.

دوره جدید و مدرنیته رمان‌نویسی زنان عرب با نوشتارهای کسانی مانند حمیده ننع، حنان الشیخ، هدی برکات، أحلام مستغانمی و ... شروع شده است. در این دوره رمان‌های زنانه با گرایش‌های مختلف جنسی، ملی و میهنی، اجتماعی و غیر آن پا به عرصه وجود نهادند و از شگردهای مدرن غرب در پروراندن سیر حوادث داستان، شخصیت‌ها، راوی، زاویه دید و غیر آن بهره بردند. در این رمان‌ها، زن دیگر در حاشیه نیست و می‌خواهد به رأس برود و در اوج و کانون مسائل قرار گیرد، با تبعیض از هر نوع آن (جنسی، نژادی، سیاسی، اجتماعی) مخالف است.

نویسندگان مشهور این طیف در کشورهای مختلف عربی عبارتند از؛ الفت الإدلی (سوریه)، لیلی أبو زید (المغرب)، أحلام مستغانمی (الجزائر)، عالیه ممدوح و سمیره المانع و هادیة سعید (العراق)، عروسية النالوتی (تونس)، رضوی عاشور و نوال السعداوی (مصر)، إلی لیل العثمان (الکویت) که بی‌باکانه در عرصه‌های مختلف سخن گفتند و به بیان فکر و آرای خود پرداختند. به طوری که رمان‌های کسانی مانند سلوی بکر، نجوی برکات، سمر خلیفه و أحلام مستغانمی مورد توجه و اهتمام نقاد واقع شدند، به زبان‌های مختلف ترجمه شدند و جوایز مختلفی را کسب کردند.

۳. نتیجه‌گیری

توجه به آموزش زنان، تولید و انتشار مجلات و نشریات زنان، تشکیل سالن‌ها و انجمن‌های ادبی زنان و رشد و گسترش اندیشه‌های فمینیستی، مهم‌ترین دلایل توجه زنان به داستان‌نویسی در ادبیات فارسی و عربی است. داستان‌نویسی زنان در ادبیات دو سرزمین، تقریباً هم‌زمان بوده‌است؛ البته شایان ذکر است که نخستین زن داستان‌نویس عرب، ألیس بستانی است که پیش از پنجاه سال زودتر از داستان‌نویسان زن ایرانی، آثاری نوشته است.

ادبیات داستانی زنان در این دو سرزمین سه مرحله را از سر گذراند: در مرحله اول زنان تحت تأثیر ادبیات مردان به نوشتن داستان‌هایی با مضمون رنج و محرومیت زنان پرداختند. در این داستان‌ها، اغلب یک‌نواختی و روزمرگی فعالیت‌های خانواده، محور شکل‌گیری روایت است.

در دوره دوم داستان‌نویسی زنان، نویسندگان زن اغلب با شک و تردید نسبت به موقعیت خود در جامعه اعتراض می‌کنند و خواستار برابری حقوق زن و مرد هستند. در این داستان‌ها بیشتر به آزار جنسی زنان،

سوءاستفاده از زنان و اعتراض به اینکه زنان در ارتباط با مردان معنا پیدا می‌کنند، مورد توجه قرار گرفته است. در دوره سوم داستان‌نویسی زنان، با نویسندگان زن زیادی روبه‌رو هستیم که با انتخاب شخصیت‌های متعدد زن در داستان و دادن نقش اصلی داستان به زنان و انتخاب زاویه دید زنانه، صدای زنانه را در داستان-نویسی طنین افکنده‌اند. با این ویژگی‌ها نویسندگان زن، شخصیت زن را از ابژه بودن و انفعال خارج کرده و به شکل فاعل در آورده‌اند. مردان در این رمان‌ها در حاشیه‌اند و اگر گاهی مردی در داستان پیدا می‌شود، برای برآوردن خواسته‌ای است. در همه این آثار فضا کاملاً زنانه است. این فضا در کنار شخصیت‌های زن، لحن زنانه و زاویه دید زنانه و تأکید بر آزادی زن در متن انسجام ایجاد کرده و در کلیت، گفتمان بر این رمان‌ها فضایی زنانه حاکم کرده است. این ویژگی در رمان‌های دهه هفتاد و هشتاد در ادبیات فارسی و در آثار لیلا بعلبک، کولیت خوری و دیگر زنان نویسنده عربی بعد از دهه ۵۰ میلادی، برجسته‌تر است. در رمان‌های دوره اول و دوم داستان‌نویسی زنان در عربی و فارسی، بیشتر به رنج و محرومیت زنان می‌پرداختند و محور اصلی تأکید بر محرومیت زنان بود. در آثار دوره سوم، محوریت اصلی زندگی زنان، فعالیت اجتماعی و اقتصادی و فاعلیت و آزادی آنان است.

منابع

- احمدی، فائزه (۱۳۹۰). *پرستوها در راه‌اند: بررسی نخستین گرایش‌های زنانه در ادبیات فارسی و عربی*. شهریار: فائزه احمدی.
- بدر معبدی، محمد (۱۹۹۸). *ادب النساء في العصر الجاهلیة و الاسلام (القسم الاول، الثر)*. مطبعة مكتبة الآداب: المطبعة النموذجية.
- برتنس، یوهانس ویلم (۱۳۸۷). *مبانی نظریه ادبی*. ترجمه محمد رضا ابوالقاسمی. تهران: ماهی.
- برسلر، چارلز (۱۳۸۶). *درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی*. ترجمه مصطفی عابدینی فرد. تهران: نشر نیلوفر.
- پارسی، شهرزاد (۱۳۷۹). *زنان پیشگام در رمان‌نویسی عربی*. مجله حقوق زنان، شماره ۱۴، ۳۲-۳۳.
- پاینده، حسین (۱۳۸۲). *گفتمان نقد*. چاپ اول، تهران: روزگار.
- پرستش، شهرام؛ ساسانی خواه، فائزه (۱۳۸۹). *بازنمایی جنسیت در گفتمان رمان (۱۳۷۵-۱۳۸۴)*. زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱، شماره ۴، ۵۵-۷۴.
- توکلی، نیره (۱۳۸۲). *فرهنگ و هویت جنسیتی با نگاهی بر ادبیات ایران*. مجله نامه انسان‌شناسی، دوره اول، شماره سوم، ۳۱-۷۰.
- جنتی‌فر، محمد؛ بشیری، اکبر (۱۳۹۱). *نگاهی به ادبیات زنانه با تکیه بر رمان الأرض و سوشون*. مجله پژوهش‌های نقد و ترجمه زبان و ادبیات عربی، سال ۱، شماره ۳، ۱۲۷-۱۴۶.

<https://doi.org/10.22054/rctall.2012.6981>

- حسینی، مریم (۱۳۸۷). ریشه‌های زن‌ستیزی در ادبیات کلاسیک فارسی. ج ۱، تهران: چشمه.
- حمود، ماجده (۲۰۰۲). الخطاب القصص النسوي. بیروت: دار الفكر المعاصر.
- دودین، رفقه محمد (۲۰۰۸). خطاب الروایة النسویة العربیة المعاصرة. عمان: أمانة عمان الكبرى.
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۷۸). نگاهی گذرا بر فعالیت‌های بانوان داستان‌نویس در دو دهه اخیر. ادبیات داستانی، شماره ۵۱، پاییز و تابستان، ۴۰ - ۴۹.
- زیدان، جرجی (۱۹۹۶). تاریخ آداب اللغة العربیة. ج ۳، ط ۱، بیروت: دارالفکر.
- سلدن، راما؛ ویدیسون، پیتر (۱۳۷۷). راهنمای نظریه ادبی معاصر. ترجمه عباس مخبر. تهران: طرح نو.
- شعبان، بثینه (۱۹۹۹). ۱۰۰ عام من الروایة النسائیة العربیة - ۱۹۹۹. بیروت: دارالفکر.
- شیرخانی، محمدرضا؛ آهیخته، فرشته؛ آهیخته، طاهره (۱۳۹۵). بررسی جایگاه اجتماعی زن در میان متون ادبی ایران باستان و اعراب جاهلی. کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، سال ششم، شماره ۲۲، ۸۹-۱۱۴.
- صادقی گیوی، فاطمه (۱۳۸۳). قدرت و اخلاق جنسی در ایران از قرن سوم پیش از اسلام تا قرن چهارم هجری. رساله دوره دکتری رشته علوم سیاسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- عابدی، کامیار (۱۳۸۰). بهرغم پنجره‌های بسته: شعر معاصر زنان. تهران: کتاب نادر.
- عبود، عبده و الآخرون (۱۴۲۰). الأدب المقارن مدخلات نظریة و نصوص و دراسات تطبیقیة. دمشق: مطبعة قمحة إخوان.
- عثمان، عبدالفتاح (۱۹۸۹). شعر المرأة فی العصر العباسي. دار غریب للطباعة و النشر.
- عصفور، جابر (۱۹۹۸). المرأة و نشأة الروایة العربیة. نشریة العربی، الكويت، العدد ۴۷۷.
- علی حسینی، علی؛ قائمی، فهیمه؛ ابراهیمی، علی (۱۳۹۶). بررسی روش مقایسه‌ای در مطالعات فلسفی - سیاسی. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره ۲۱، شماره ۷۰، ۱۰۵ - ۱۲۶.
- علیخانی، یوسف (۱۳۸۰). نسل سوم داستان‌نویسی امروز. چاپ اول، تهران: مرکز.
- غذامی، عبدالله (۱۳۸۷). زن و زبان. ترجمه هدی عوده تبار، تهران: گام نو.
- غفاری هاشجین، زاهد؛ بیگی نیا، عبدالرضا؛ تصمیم قطعی، اکرم (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران. دانش سیاسی، سال ششم، شماره دوم، ۲۴۰-۲۰۷.
- [10.30497/PK.2011.14](https://doi.org/10.30497/PK.2011.14)
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱). سبک‌شناسی. چاپ اول، تهران: سخن.
- کفافی، محمد (۱۹۷۲). فی الادب المقارن. بیروت: دارالشروق.
- گرت، استفانی (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی جنسیت. ترجمه کتابیون بقایی. تهران: مرکز.
- لیتل، دانیل (۱۳۸۵). تبیین در علوم اجتماعی: درآمدي به فلسفه علم/اجتماع. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: صراط.

- مایلز، رزالیند (۱۳۸۰). *زنان و رمان*. ترجمه علی آذرنگ. تهران: مطالعات زنان.
- مشتاوی، فاطمه (۲۰۰۸). *الذوق الجمالی فی الادب النسوی*. الجمهورية الجزائرية: جامعة یحیی فارس.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۶). *صد سال داستان‌نویسی در ایران*. چاپ چهارم، دوره چهار جلدی، تهران: چشمه.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۳). *راه‌های رفته و دستاوردها؛ داستان‌نویسی زنان*. نشریه *زنان*، سال سیزدهم، شماره صد و پانزدهم، ۶۰-۶۶.
- نیازی، شهریار؛ آقاجانی، سمیه؛ ملایری، یدالله (۱۳۹۰). *بازتاب رنج‌های زن عرب در رمان‌های هیفاء بیطار*. زن در فرهنگ و هنر، دوره ۳، شماره ۲، ۱۱۹-۱۳۱.
- ولی‌زاده، وحید (۱۳۸۷). *جنسیت در آثار رمان‌نویسان زن ایرانی*. فصلنامه نقد ادبی، سال اول، شماره اول، صص ۱۹۱-۲۲۴. 20.1001.1.20080360.1387.1.1.1.7
- وولف، ویرجینیا و دیگران (۱۳۸۵). *سلسله پژوهش‌های نظری درباره مسائل زنان*. گزینش و ترجمه از منیژه نجم عراقی و دیگران. تهران: چشمه.
- یاحقی، جعفر (۱۳۷۵). *چون سبوی تشنه*. تهران: جام.
- یثربی، چیستا (۱۳۷۸). *در جستجوی تصویر گم شده: ادبیات زنانه و تحولات داستان کوتاه در ایران*. جنس دوم (مجموعه مقالات)، ج ۵، زمستان، تهران: توسعه.

References

- Abboud, A. and others. (1999) *Comparative Literature; Theoretical Inputs, Texts, and applied studies*. Damascus: *Qameh Ekhvan Press* (In Arabic).
- Abedi, K. (2001) *Despite the Closed Windows: Contemporary Women's Poetry*. Tehran: *Nader Kitab Publishing Center* (In Persian).
- Ahmadi, F. (2011) *The Swallows are on the Way: A Survey of the First Female Tendencies in Persian and Arabic Literature*. Shahryar: *Faezeh Ahmadi Publications* (In Persian).
- Ali Hosseini, A. Qaemi, F. Ebrahimi, A. (2017) *Review of Comparative Method in Philosophical-Political Studies*. *Epistemological Studies Quarterly in Islamic University*, 21(70), 105-126 (In Persian).
- Alikhani, Y. (2001) *The Third Generation of Today's Story Writing*. 1st Edition, Tehran: *Nashr-e Markaz* (In Persian).
- Asfour, J. (1998) *Women and the Rise of the Arabic Novel*. Kuwait: *Al-Arabi Publication*, No, 477 (In Arabic).
- Bader Mubadi, M. (1998) *Women's Literature in the Pre-Islamic Era (Section One. Prose)*. Al-Adab Library Press: Al-Matbaat Al- Nemozejyeh (In Arabic).
- Bertens, J. W. (2008) *Basics of Literary Theory*. Translated by Mohammad Reza Abul Qasemi. Tehran: *Mahi Publishing House* (In Persian).

- Bresler, C. (2007) *An Introduction to the Theories and Methods of Literary Criticism*. Translated by; Mustafa Abedini Fard. Tehran: *Nilufar Publications* (In Persian).
- Dudin, R. (2008) *The Contemporary Arab Feminist Novel Discourse*. Amman: *Greater Amman Municipality* (In Arabic).
- Fotohi, M. (2012) *Stylistics*. 1st Edition, Tehran: *Sokhan Publications* (In Persian).
- Ghazami, A. (2008) *Woman and Language*. Translated by; Hoda Oudeh Tabar. Tehran: *Game No Publications* (In Persian).
- Ghaffari Hashjin, Z; Beginia, A; Dezhein Kefizi, A. (2010) Effective Factors on the Political Participation of Students of Political and Technical Sciences of Tehran University. *Political Knowledge*, 6th year, 2nd issue, 207-240 (In Persian).
- Gurt, I. (2003) *Sociology of Gender*. Translated by; Katayoun Baghaei. Tehran: *Nashr-e Markaz* (In Persian).
- Hammoud, M. (2002) *The Feminist Storytelling Discourse*. Beirut: *Dar Al-Fikr Al-Moaser* (In Arabic).
- Jantifar, M. & Bashiri, A. (2013) Looking at Women's Literature based on the Novel "Al-Arze and Sovshun". *Journal of Criticism and Translation of Arabic Language and Literature*, 1(3), 127-146 (In Persian), <https://doi.org/10.22054/rctall.2012.6981>.
- Kafafi, M. (1972) *In Comparative Literature*. Beirut: *Dar Al-Shorough* (In Arabic).
- Mashtavi, F. (2008) *Aesthetic Taste in Feminist Literature*. Algerian Republic: *Yahya Fares University* (In Arabic).
- Little, D. (2006) *Explanation in Social Sciences: An Introduction to the Philosophy of Social Science*. Translated by; Abdul Karim Soroush. Tehran: *Serat Cultural Institute* (In Persian).
- Miles, R. (2001) *Women and Novels*. Translated by; Ali Azarang. Tehran: *Women's Publications and Studies* (In Persian).
- Mir Abdini, H. (2004) *The Paths Taken and the Achievements; Women's Story Writing*. *Women's Journal*, 13(115), 60-66 (In Persian).
- Mira Abdini, H. (2007) *One Hundred Years of Story Writing in Iran*. 4th Edition, Volume. 4, Tehran: *Cheshmeh Publications* (In Persian).
- Niazi, Sh. Aghajani, S. Malayeri, Y. (2011) Reflection of Arab Women's Sufferings in Haifa Bitar's Novels. *Women in Culture and Art*, 3(2), 119-131 (In Persian).
- Osman, A. F. (1989) *Women's Poetry in the Abbasid Era*. Dar Al. Gharib Printing and Publishing Center. (In Arabic).
- Parastesh, Sh. Sasanikhah, Faezeh. (2010) Gender Representation in the Discourse of the Novel (1375-1384). *Women in Culture and Art*, Volume 1, Number 4, 55-74 (In Persian).
- Payandeh, H. (2003) *Discourse of criticism*. 1st edition, Tehran: *Roozegar Publishing House* (In Persian).
- Radfar, A. (1999) *A quick look at the activities of women story writers in the last two*

- decades. *Fiction literature*, No. 51, autumn and summer, pp. 40-49 (In Persian).
- Ragin, Ch. C (1994) *Constructing Social Research: The Unity and Diversity of Method*. California: *Pine Forge Press*.
- Sadeghi-Givi, F. (2004) *Power and Sexual Ethics in Iran from the Third Century before Islam to the Fourth Century Hijri*. Doctoral dissertation in the field of political science, Tehran: *Tarbiat Modares University* (In Persian).
- Selden, R. Widison, Peter. (1998) *Guide to Contemporary Literary Theory*. Translated by Abbas Mokhbar, Tehran: *New Design* (In Persian).
- Shaaban, B. (1999) *100 Years of the Arab Women's Novel*. Beirut: *Dar Al-Fikr* (In Arabic).
- Shirkhani, M. Ahikhte, F. Ahikhte, T. (2016) Investigation of the social position of women among the literary texts of ancient Iran and Jahili Arabs. *Comparative literature exploration*, the sixth year, number 22, 114-89 (In Persian).
- Tawakli, N. (2003) Culture and gender identity with a look at Iranian literature. *Journal of Anthropology*, first period. Number three. pp. 31-70 (In Persian).
- Valizadeh, V. (2008) Gender in the Works of Iranian Female Novelists. *Literary Criticism Quarterly*, 1(1), pp. 224-191 (In Persian), [20.1001.1.20080360.1387.1.1.1.7](https://doi.org/10.1001.1.20080360.1387.1.1.1.7).
- Wolf, V. and others (2006) *A Series of Theoretical Researches about Women's Issues*. Selection. Translated by; Manijeh Najm Iraqi and others. Tehran: *Cheshmeh Publications*.
- Yahaghi, J. (1996) *Like a Thirsty Jar*. Tehran: *Jam Publications* (In Persian).
- Yasrebi, Ch. (1999) In Search of the Lost Image: Women's Literature and Short Story Developments in Iran. *The Second Genus (Collection of Articles)*, Volume 5, winter, Tehran: *Tovseh Publishing House* (In Persian).
- Zeidan, J. (1996) *The History of Arabic Language Arts*. 3(1), Beirut: *Dar Al-Fikr* (In Arabic).
- Ragin, Charles C (1994) *Constructing Social Research: The Unity and Diversity of Method*. California: *Pine Forge Press*.